



۱۵ دقیقه

هروى ۲

وصف و الفافه
اعراب فعل مضارع
جملهى معلوم و مجهول
الطرس و الترس. حرق السلس على
الظلم نوری و التكب اهل
درس ۵ تا پایان درس ۸
صفحه‌های ۴۶ تا ۹۴

■ عین الأصغ و الأثقی فی الجواب للترجمة أو التعریب أو المعلوم (۲۱-۲۷):

۲۱- «هؤلاء التلاميذ لم يقضوا في مطالعة القروس و أداء واجباتهم المدرسية أبداً»:

- (۱) این دانش‌آموزان هرگز در مطالعه‌ی درس‌ها و انجام تکلیف مدرسایشان کوتاهی نکردند!
- (۲) اینان دانش‌آموزانی هستند که در خواندن درس‌ها و انجام تکلیف مدرسایشان کوتاهی نکردند!
- (۳) این دانش‌آموزان هیچ‌گاه در مطالعه‌ی درس‌هایشان و انجام تکلیف مدرسایشان کوتاهی نمی‌کنند!
- (۴) اینان دانش‌آموزانی هستند که در خواندن درس‌ها و انجام تکلیفشان در مدرسه کوتاهی نمی‌کنند!

۲۲- «ما تریدوننی ان انمنی ربنا بشاهد کل الشیء و یعلم ما فی قلوبنا و اذهانتنا»:

- (۱) آیا از من می‌خواهید که پروردگاری را فراموش کنم که همه چیز را می‌بیند و آنچه را در دل‌های ما و ذهنهایمان است می‌داند!
- (۲) آیا از ما می‌خواهی که خداوندی را از یاد ببریم که همه چیز را می‌بیند و آنچه را در قلب‌های ما و ذهنهایمان است می‌داند!
- (۳) آیا از من می‌خواهی که پروردگاری را فراموش کنم که هر چیزی را می‌بیند و آنچه را در دل ما و افکارمان است می‌داند!
- (۴) آیا از من می‌خواهید که خداوند را از یاد ببرم با آن که هر چیزی را می‌بیند و آنچه را در دل‌های ما و ذهنمان است می‌داند!

۲۳- «تظاهرت إحدى صديقتي بالفرج و فكرت بانها لا تمنطق ان تمشي على قدميها»: یکی از دوستم ...

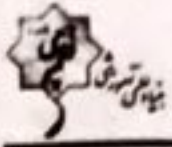
- (۱) تظاهر به لنگی کرد و فکر کردم که او نمی‌تواند بر پاهایش راه برود!
- (۲) تظاهر به لنگی می‌کند و من فکر کردم که او دیگر نمی‌تواند بر پاهایش راه برود!
- (۳) تظاهر به شلی کرد و فکر کردم که او نمی‌تواند بر پایش راه برود!
- (۴) تظاهر به شلی می‌کند و من فکر کردم که او نمی‌تواند بر پایش راه برود!

۲۴- «وجب ان لا ننسى اليأس لأن الضرورة الجتهد إلى الأعمال الصعبة»:

- (۱) باید تهی‌دستان را فراموش نکنیم، زیرا احتیاج، آن‌ها را به کارهایی دشوار وادار می‌نماید!
- (۲) نباید بینوایان فراموش شوند، زیرا نیاز، آن‌ها را به اعمالی طاقت‌فرسا سوق داد!
- (۳) بینوایان را نباید فراموش کنیم، زیرا نیاز، آن‌ها را به کارهای دشوار وادار نموده است!
- (۴) نباید هیچ‌گاه بینوایان را از خاطر ببریم، زیرا نیازمندی، ایشان را به اموری سخت وادار نموده است!

۲۵- «عین ما لا یتناسب مفهوم البيت: «سبیری علی العوت لا تخنی / فانت الصمود الذي لا یلین»

- (۱) مرد آن است که در کشاکش دهر / سنگ زیرین آسیا باند
- (۲) در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش‌ها گر کند خار مُغیلان، غم مخور
- (۳) عدو را به الطاف گردن بیند / که نتوان بُردن به تیغ این کمند
- (۴) به دریا در، منافع، بی‌شمار است / اگر خواهی سلامت، برکنار است



۲۶- پنج روز بعد از از دست دادن سه دوست، اخبار جنگ شنیده می‌شود و جنگجویان جنگ را فراموش نمی‌کنند!»: «

۱) یسمع أخبار المعركة خمسة الأيام بعد فقدان ثلاثة من أصدقائي و الغزاة لن ينسون المعركة!

۲) بعد أن فقد ثلاثة أصدقاء بعثة خمسة أيام سمعت أخبار القتال و لا ينسى المهاجمان المقتلات!

۳) خمسة أيام بعد فقدان ثلاثة أصدقاء تسمع أخبار المعركة و الغزاة لا ينسون القتال!

۴) أخبار القتال تسمع خمسة أيام بعد فقدان ثلاثة من الأصدقاء و المهاجمون لا ينسونها!

۲۷- «مسلّماتان برای محقق شدن اهداف بلند خود هر روز تلاش می‌کنند!»: «

۱) المسلمون كل يوم يحاولون لتحقيق أهدافهم العالية!

۲) لتحقيق الهدف العالي المسلمون يحاولون كل يوم!

۳) يحاول المسلمون لتحقيق أهدافهم العالية كل الأيام!

۴) يحاول المسلمون كل الأيام لتحقيق أهداف عالبيهم!

■ اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (۲۸ - ۳۳) بما يناسب النص:

«العمل في جميع الأحوال محور الحياة، عليه يتوقف مسيرها و تقدّمها و استمرارها و هو ضروري لأن كرامة المرء تصبح مهتدة إذا ترك العمل و الجد و إتجا إلى الزاحة و الكسل.

فكل من في الوجود ملزم بالعمل لبصون (البحفظ) بذلك كرامته و يحتفظ بماء وجهه. لكن انسان شخصية يتميز بها و تنمو هذه الشخصية كلما تقدم الإنسان في عمله و بدأ يقدم ثمرة جهده إلى المجتمع الذي يعيش فيه لأن قيمة الإنسان فيما يحسنه و فيما يقدمه من خير و عمل مفيد و بذلك يكون المرء عضواً نافعاً!»

۲۸- إذا ترك الرجل العمل ...

۱) توقف مسير حياته!

۲) إتجا إلى الزاحة و الكسل!

۳) ذهب ماء وجهه!

۴) تقدّم في بعض نواحي الحياة!

۲۹- بماذا يقدرُ الانسان؟

۱) بما يحسنه!

۲) بشخصية يتميز بها!

۳) بالمجتمع الذي يعيش فيه!

۴) بما يظهر من الميل إلى العمل!

۳۰- عین ما لا يناسب مفهوم النص:

۱) لا تقل أصلي و فصلي أبداً / إنما أصل الفتى ما قد حصل!

۲) اگر شادی ست ما را گر غم از ماست / که بر ما هر چه می‌آید هم از ماست!

۳) برو کار می‌کن مگو چیست کار / که سرمایه‌ی جاودانی است کار!

۴) الاجتهاد و العمل أنفع بضاعة!

٣١- عَيْن الصَّحِيح فِي التَّشْكِيل: «العَمَلُ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مَحْوَرُ الْحَيَاةِ ... فَكُلُّ مَنْ فِي الْوُجُودِ مُلْزَمٌ بِالْعَمَلِ ... وَ لِكُلِّ الْإِنْسَانِ

شَخْصِيَّةً يَتَمَيَّزُ بِهَا»

(٢) مُلْزَمٌ- الْإِنْسَانِ- شَخْصِيَّةً

(١) الْعَمَلُ- الْوُجُودُ- الْعَمَلِ

(٤) مَحْوَرٌ- كُلُّ- كُلِّ

(٣) الْأَحْوَالُ- الْحَيَاةُ- يَتَمَيَّزُ

■ عَيْن الصَّحِيح فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (٣٢ وَ ٣٣):

٣٢- «وَقَدْ»:

(١) فَعْلٌ- لِلغَائِبِ- مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ مِنْ بَابِ التَّفْعِيلِ- مَتَعَدٌّ- مَعْرَبٌ / فَعْلٌ مَضَارِعٌ مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ

(٢) فَعْلٌ مَضَارِعٌ- لِلغَائِبِ- مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ بِحَرْفَيْنِ مِنْ بَابِ التَّفْعِيلِ- مَتَعَدٌّ- مَعْرَبٌ / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ

(٣) فَعْلٌ مَاضٍ- لِلْمَخَاطَبِ- مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ بِحَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ التَّفْعِيلِ- مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «ه» الْبَارِزُ

(٤) لِلغَائِبِ- مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ بِحَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ التَّفْعِيلِ- مَتَعَدٌّ- مَعْرَبٌ / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «هُوَ» الْمُسْتَتِرُ

٣٣- «الَّذِي»:

(١) إِسْمٌ مَوْصُولٌ- لِلْمَفْرُودِ الْمَذْكَرِ- مَبْنِيٌّ عَلَى السَّكُونِ- مَعْرُوفَةٌ / مَضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ مَحَلًّا

(٢) إِسْمٌ مَوْصُولٌ- لِلْمَفْرُودِ الْمَذْكَرِ الْعَاقِلِ وَ غَيْرِ الْعَاقِلِ- مَبْنِيٌّ عَلَى السَّكُونِ / صِفَةٌ وَ مَجْرُورٌ مَحَلًّا بِالتَّبَعِيَّةِ مِنْ «الْمَجْتَمَعِ»

(٣) إِسْمٌ مَوْصُولٌ- مَعْرُوفَةٌ مَبْنِيٌّ عَلَى الْكُسْرَةِ- مَنْقُوصٌ / خَبَرٌ وَ مَرْفُوعٌ بِعَلَامَةِ تَقْدِيرِيَّةٍ

(٤) نَكْرَةٌ مَبْنِيٌّ عَلَى السَّكُونِ- مَنْقُوصٌ / مَضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ مَحَلًّا

٣٤- عَيْن مَرَجِعِ ضَمِيرِ نَاتِبِ الْفَاعِلِ جَمْعًا مَكْمُرًا:

(١) تَغْرَسُ الْأَشْجَارَ الْخَضْرَاءَ فِي حَدِيقَتِنَا تَزِينُ بَيْتَنَا تَزِينُنَا!

(٢) جَمِيعُ التَّلَامِيذِ يَسْتَفِيدُونَ مِنْ كِتَابِ كُلِّ يَوْمٍ تَوْلَفَ بِالْكَدْحِ الْكَثِيرِ!

(٣) فِي شَرِكَتِنَا مَوْظِفُونَ مَجْتَبُونَ قَدْ أُنتَخِبُوا بِقُدْرَاتِهِمْ لَا تَوْصِيَاتِهِمْ!

(٤) فِي هَذَا لَجْوِ الْبَارِدِ يَمْنَعُ الْأَطْفَالَ مِنَ اللَّعْبِ خَارِجَ الْبَيْتِ!

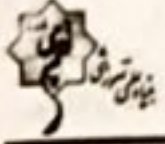
٣٥- عَيْن مَا لِيَسُ فِيهِ الْمَضَارِعُ الْمَنْصُوبُ وَ الْمَجْزُومُ:

(١) لَمْ يُعَذِّبِ الْعَدُوَّ عَلَيَّ أَنْ يَقْتُلَ الْخُلْمَ فِي الْجَبَلِ الْمُسْتَقْبَلِ!

(٢) إِنْ تَقُمْ مِنْ يَحَاكِي الْأَخْرِيْنَ دَائِمًا أَمَلٌ لَا يُنَالُهُ!

(٣) يُعْرِفُ الْإِنْسَانُ بَعْدَ أَنْ يَتَكَلَّمَ فَلْيُرَاقِبْ دَائِمًا مَا نَقُولُ!

(٤) أَلِنْ تَنْصُرُوا مَنْ لَمْ يَتْرُكْكُمْ فِي الْوَقْتِ الْخَرَجِ!



۳۶- عین ما لیس فیہ المعنی للمجهول:

- ۱) «ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً... عند ربهم يُرزقون»
- ۲) «و إذا قرئ القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلكم ترحمون»
- ۳) «أ حسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمناً وهم لا يفتنون»
- ۴) «قل إن الذين يفترون على الله الكذب لا يفلحون»

۳۷- عین العبارة التي ما جاء فيها فاعل:

- ۱) قال رسول الله: لم نبعث لجمع المال!
- ۲) كتب عليهم الصيام فعملوا!
- ۳) أستشهد عند من خيرة أصحاب النبي الذين قاتلوا الكفار!
- ۴) من قُتل في سبيل الله فله اجر كبير جداً!

۳۸- عین الموصوف المرفوع:

- ۱) من علامات هدى الله للإنسان تقصير الأمانى الطويلة!
- ۲) من لا تصرَّ على إكتساب رضا الناس لن تنجح!
- ۳) لما يُصدر القاضيان حكمهما في حق المجرم!
- ۴) هناك الأراضي الخالية من الماء و التبت في مركز ايران!

۳۹- عین جملة في محل الرفع:

- ۱) رأى نخب جتمع حمارين سمينين يأكلان العشب!
- ۲) «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه»
- ۳) أتلمرني أن أكسر صنانيق قوم قد توكلوا على ربهم!
- ۴) مررنا بتلاميذ في مدرستنا يدرسون بنشاط!

۴۰- عین ما ليست فيه «اللام الجازمة»:

- ۱) كان معلمنا يقول فلنجهد في دروسنا كثيراً!
- ۲) إن المعلمين ليجتهدوا كثيراً للوصول إلى العزة!
- ۳) لننتقم في الحياة علينا أن نسعى كثيراً!
- ۴) ليعرف الإنسان حقيقة الحياة للوصول إلى غايته!



۳۲-

(دریوشعلی ابراهیمی)

«یُتَدَمُّ» فعل مضارع از باب تَعْمِل و صیغهی للعائب و مزید ثلاثی با یک حرف زائد و متعدی و معرب و فاعل آن ضمیر مستتر «هو» است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «من باب التثقل» نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: «بحرفین» نادرست است.

گزینه‌ی «۳»: «فعل ماضی»، «للمخاطب»، «من باب التثقل»، «مبنی علی الفتح» و

«فاعله ضمیر «ه» البارز» نادرست‌اند.

(تعلیل صرفی و نحوی)

۳۳-

(دریوشعلی ابراهیمی)

کلمه‌ی «أَلَذَى» اسم موصول خاص برای مفرد مذکر عاقل و غیرعاقل است که در این‌جا برای غیرعاقل (المجتمع) به‌کار رفته است و مبنی بر سکون است و نقش آن صفت است و محلاً مجرور می‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «مضاف‌إلیه» نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: «مبنی علی الکسرة، منقوص، خبر و ...» نادرست‌اند.

گزینه‌ی «۳»: «نكرة، منقوص و مضاف‌إلیه» نادرست‌اند.

(تعلیل صرفی و نحوی)

۳۴-

(سیدمهدعلی مرتضوی)

«تَوَلَّفَ» فعل مجهول است و نایب فاعل آن، ضمیر مستتر «هی» است که به جمع مکرر (کتب) بر می‌گردد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «تفرس» فعل مضارع مجهول و نایب فاعل آن «الأشجار» و از نوع اسم ظاهر است.

گزینه‌ی «۲»: «أُتَخِيبُوا» فعل ماضی مجهول و نایب فاعل آن ضمیر بارز «واو» است که مرجع آن هم «موظفون» است.

گزینه‌ی «۳»: «یمنع» فعل مضارع مجهول است و نایب فاعل آن «الأطفال» و از نوع اسم ظاهر است.

(انواع جملات)

۳۵-

(مسین رضایی)

«إِن» از نواسخ و «تَقَدَّمَ»: اسم «إِن» است؛ «یحاکمی و ینال» هر دو مضارع مرفوع هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «یَقْدِر و یَقْتُل» به‌ترتیب مضارع مجزوم و منصوب هستند.

گزینه‌ی «۲»: «یُعْرَف، یَتَكَلَّم، تُرَاقِب و تَقُول» به‌ترتیب مضارع مرفوع، منصوب، مجزوم و مرفوع هستند.

گزینه‌ی «۳»: «تَصْرُوا و یَتْرَكُوا» به‌ترتیب مضارع منصوب و مجزوم هستند.

(انواع اعراب)

۳۶-

(مسین رضایی)

«یَقْتَرُونَ» فعل معلوم و «لَا یُقْلِعُونَ» فعل لازم است که مجهول نمی‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «قَتَلُوا» و «بُرِزَقُونَ» فعل‌های مجهول هستند.

گزینه‌ی «۲»: «قُرئ» و «تُرْحَمُونَ» فعل‌های مجهول هستند.

گزینه‌ی «۳»: «بُتْرَكُوا» و «یُقْتَنُونَ» فعل‌های مجهول هستند.

(انواع جملات)

۳۷-

(ابوالفضل تاجیک)

تشریح گزینه‌های دیگر

در گزینه‌ی «۱»: «رسول»، در گزینه‌ی «۲»: ضمیر «واو» در فعل «عَبِلُوا» و در

گزینه‌ی «۳»: ضمیر «واو» در فعل «فَاتَلُوا» فاعل هستند.

(انواع جملات)

۳۸-

(دریوشعلی ابراهیمی)

کلمه‌ی «الأراضی» موصوف و مبتدای مؤخر و تقدیراً مرفوع است و صفت آن

«الخالیة» نیز مرفوع به تبعیت است.

(قواعد اسم)

۳۹-

(مهدی‌رضا سوری - نعاوند)

«رجال» مبتدای مؤخر و مرفوع و «صدقوا» جمله‌ی وصفیه و محلاً مرفوع است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «بأكلان» جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب به تبعیت از «حمارین» که مفعول است.

گزینه‌ی «۲»: «قد توكَلَّوا» جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور به تبعیت از «قوم» که مضاف‌إلیه است.

گزینه‌ی «۳»: «یدرسون» جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور به تبعیت از «تلامیذ» که مجرور به حرف جر است.

(قواعد اسم)

۴۰-

(مهدی‌رضا سوری - نعاوند)

«لنتقدم» دارای «لام» ناصبه است، زیرا لازمه‌ی پیشرفت را منوط به سعی بسیار

کرده است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «فلتجتهد» مضارع مجزوم است. (ف + ل + مضارع مجزوم)

گزینه‌ی «۲»: در «لیجتهدوا»، لام، جازمه است و مضارع مجزوم و به معنی «باید» می‌باشد.

گزینه‌ی «۳»: در «لیعرف»، لام، جازمه و مضارع مجزوم و به معنی «باید» می‌باشد.

(انواع اعراب)